

صحرا اسداللهی، بازیگر:

هنوز نقش‌هایی که دلم می‌خواهد را بازی نکرده‌ام



می‌داشتیم و فکر می‌کنم این مسئله برای هر بازیگری پیش می‌آید. یعنی وقتی می‌بیند که چگونه بازی کرده با خود می‌گوید که کاش امروز بود و جور دیگری بازی می‌کردم و در واقع این اتفاق اجتناب‌ناپذیر است و من نیز از این قاعده مستثنا نیستم.

به تازگی از فستیوال بین‌المللی زنان بیروت جایزه بهترین بازیگر زن را گرفته‌اید. آیا این جایزه به نوعی یک تایید برای شما به عنوان بازیگر است؟

راستش را بخواهید به نظرم هرگز تاییدی محسوب نمی‌شود. من بازیگری بودم که اتفاقاً مسیر پر آزمون و خطایی را گذراندم و شاید تعداد خطاهایم خیلی هم بیشتر بوده باشد بنابراین جایزه اصلاً تاییدی بر این نیست که من دیگر بازیگر بسیار خوبی هستم. اتفاقاً به نظرم این جایزه به من هشدار می‌دهد که همواره باید در این مسیر تلاش کنم و در راستای بهبود بازیگری‌ام تلاش ویژه‌ای داشته باشم. می‌توانم بگویم که در کشور خودمان هنوز نقش‌هایی که دلم می‌خواهد را بازی نکرده‌ام و این یعنی هنوز مسیر درازی در پیش دارم.

سخن پایانی

فیلم «پاکول» چند سال پیش ساخته شده و قطعاً خود آقای اسماعیلی نیز اگر قرار بود امروز این فیلم را بسازند رویکرد دیگری می‌داشتند اما به نظر من «پاکول» فیلم شریفی است و ارزش دیدن دارد و واقعاً با زحمت فراوان و بودجه شخصی ساخته شد. اگر از این فیلم‌ها حمایت نشود تعداد فیلم‌هایی از این دست و کسانی که قدم در این راه می‌گذارند کم و کمتر خواهد شد و فکر می‌کنم این سینما ارزش دیدن دارد.

امیر صیدآبادی، مشاور تهیه و تولید:

نفس سینمای مستقل به شماره افتاده است



بله دقیقاً مثلاً یکی از لوکیشن‌های ما روستایی به نام دهشاد شهر یار بود همینطور روستایی در اوایل جاده قم که کودکی کاراکترهای اصلی را آنجا گرفتیم و بقیه لوکیشن‌ها نیز در همین محدوده تهران و داخل تهران بود.

وضعیت سینمای مستقل را چگونه می‌بینید؟

سینمای مستقل واقعاً مظلوم واقع شده است و فیلمساز با سرمایه شخصی شروع به تولید می‌کند هیچ حمایتی نیز در انتظارش نیست. متأسفانه می‌توان گفت که به این ترتیب به سمت کم رنگ شدن سینمای مستقل پیش می‌رویم در حالی که به نظر من سینمای مستقل همیشه واقعیت‌هایی را بیان کرده که انکارناپذیر هستند و فراموش نکنیم که تاریخ سینمای ملی ما نیز ارتباط مستقیمی با سینمای مستقل دارد.

منظور تان از این ارتباط مستقیم چیست؟

منظورم این است که در طول تاریخ سینمای ایران، سینمای مستقل همواره مسیر حیات خود را بدون وابستگی دنبال کرده است و تولید فیلم در سینمای مستقل همیشه سختی‌های خودش را داشته و ما نیز در شرایط آن روزها به خصوص بعد از دوران کرونا و رکود که این حوزه را در بر گرفته بود، فیلم‌پاکول را با شرایط بسیار سخت و دشوار تولید کردیم.

سخن پایانی

سینمای مستقل به این دلیل که هیچگونه حمایتی از هیچ ارگانی ندارد همواره مظلوم واقع می‌شود و تنه‌راهی که برای تبلیغات فیلم‌های مستقل وجود دارد همان تبلیغات کلامی است که مخاطب انجام می‌دهد. این فیلم حاصل تلاش یک تیم کاملاً حرفه‌ای است، تیمی که از بازیگران گرفته تا عوامل پشت صحنه، همه مثل یک خانواده در دو ماهی که کار کردیم کنار هم بودند و امیدوارم که در اکران نیز بهترین اتفاقات برایش بیفتد.

پیوستن شما به این پروژه چگونه بود؟
تقریباً ۵ سال پیش با نوید اسماعیلی برای اینکه اولین فیلم سینمایی‌اش یعنی «طبقه یک و نیم» را بسازد جلسه‌ای گذاشتیم و من به عنوان مشاور پروژه در کنار او بودم، فیلم طبقه یک و نیم ساخته شد و تقریباً ۲ سال بعد برای فیلم «پاکول» از من دعوت کردند که به عنوان مشاور تهیه و تولید در خدمتشان باشم. وقتی فیلمنامه را خواندم و دغدغه‌های فیلمساز را معضل اجتماعی را که در آن افغان یا ایرانی بودن دختران ملاک نیست را به خوبی مطرح کند و مصمم شدم که باید در این زمینه یک فیلم خوب و درجه یک بر اساس قصه‌ای که داشت تولید کنیم و بر همین اساس من به این پروژه ملحق شدم.

این پروژه با چه چالش‌هایی روبرو بود و چه سختی‌هایی پیش رو داشتید؟

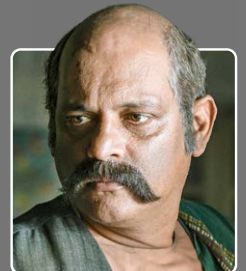
من در بحث تولید کنار تیم بودم و بحث لوکیشن‌ها واقعاً سخت و چالش برانگیز بود و از طرفی تعداد لوکیشن زیادی داشتیم و به این علت که فیلم با سرمایه شخصی ساخته می‌شد باید حتی المقدور از تهران خارج نمی‌شدیم بنابراین تمام لوکیشن‌های فیلم در داخل و اطراف تهران فیلمبرداری شد.

به نظر می‌آید که در اطراف تهران مناطقی وجود دارند که سخت می‌توان باور کرد در نزدیکی پایتخت باشند.



نادر فلاح، بازیگر:

بازی کاراکتری از فرهنگ و کشور دیگر جذاب است



از نقش متفاوتی که در فیلم «پاکول» بازی کرده‌اید بگویید.

«پاکول» فیلمی مربوط به بخش خصوصی بود که بچه‌های کرج با زحمت زیاد هزینه‌هایش را تأمین کردند و فیلم را ساختند و به نظرم فیلم خوبی هم از آب درآمده است.

من پیش از این نیز در فیلم چند «متر مکعب عشق» نقش یک مرد افغان را بازی کرده بودم و کاراکترم در آن فیلم منفی نبود بلکه پدر دلسوزی بود که در موقعیتی ناخواسته قرار گرفته بود اما در فیلم «پاکول» کاراکتر منفی را بازی می‌کنم و بازی در این دو نقش که باید در کاراکتر از یک کشور، فرهنگ و زبانی دیگر را بازی می‌کردم برایم تجربه‌ای جالب و جذاب بود.

با اینکه در چند سکانس کوتاه حضور داشتید اما ژست بدنی که برای این کاراکتر انتخاب کرده بودید جالب توجه بود و از آنجایی که این کاراکتر خودخواه و قلدر است شما بیشترین فضای ممکن را با ژست بدنی تان اشغال می‌کردید و بدین ترتیب تحکم کاراکتر بر فضا بیشتر به چشم می‌آمد.

بله البته تمام این‌ها جزو مهندسی نقش و فیزیک و بدن کاراکتر است.

